

غفلت

غلامرضا عارف

www.ketab.ir



سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

عارف، غلامرضا، ۱۳۱۵ -	سرشناسه
غفلت / نویسنده غلامرضا عارف.	عنوان و نام پدیدآور
مشهد: محقق، ۱۳۹۷.	مشخصات ناشر
۴۲۴ ص.	مشخصات ظاهری
۹۷۸ - ۶۰۰ - ۸۳۷۵ - ۷۶ - ۰	شابک
فیبا	وضعیت فهرست‌نویسی
غفلت -- جنبه‌های مذهبی -- اسلام	موضوع
Negligence (Ethics) -- Religious aspects -- Islam	موضوع
غفلت -- جنبه‌های قرآنی	موضوع
Negligence (Ethics) -- Qur'anic teaching	موضوع
گناه (اسلام) -- احادیث	موضوع
Sin -- Islam -- Hadiths	موضوع
۱۳۹۷ غ ۵۵/۵۵/ع ۲۵۰/۵۵	رده‌بندی کنگره
۲۹۷/۶۳۹	رده‌بندی دیویی
۵۲۴۹۹۷۷	شماره کتابشناسی ملی

www.ketab.ir

غفلت

غلامرضا عارف

ویراستار: سیدخلیل حسینی عطار
سر ویراستار و مدیر داخلی: سیدخلیل حسینی عطار
چاپ اول، ویرایش جدید- ۱۳۹۹
شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه
شابک: ۰-۷۶-۸۳۷۵-۶۰۰-۹۷۸
حق هرگونه چاپ و انتشار محفوظ است.
جلد شومیز: ۳۹,۵۰۰ تومان

نشر محقق

مشهد، گلپهار، بلوار عدالت، عدالت ۳۸
سرو ۷، پلاک ۲، تلفن: ۰۹۱۵۱۱۶۳۱۰۰
hoseini.seyedkhalil@gmail.com

انتشارات



فهرست مطالب

پیش‌گفتار

۲۴	عمر تو
۲۹	توبه‌ی سلیمان نبی
۴۰	حجت اسلام عباس تهرانی
۴۳	یا غافل و مور عاقل!
۴۴	حدیث قدسی

فصل اول | غفلت از یاد خداوند و ادای حق پروردگار

۵۶	ضرورت اتصال با خداوند با یاد خداوند در زندگی انسان
۵۸	دل بیدار
۶۲	علت در زندان ماندن حضرت یونس
۶۲	آمدن جبرئیل به زندان نزد یوسف
۶۳	دیدن یوسف کرم کور را
۶۳	غفلت حضرت نوح
۶۵	فرار حضرت یونس از مردم
۶۷	توفیق صبر طاعت
۶۸	بنده حق
۶۹	غفلت حضرت یعقوب
۷۲	بیدار شدن جادوگران فرعون از خواب غفلت
۷۵	غفلت حتی در مسجد و گاه عبادت
۷۵	جنگ فرشتگان با شیاطین
۷۶	فرار شیطان
۷۶	همواره مشغول ذکر باشید
۷۷	حکایت غفلت حسن ثوری
۷۸	حضرت عیسی
۷۸	بیداری از خواب غفلت در کوران شهوت!
۷۹	دیگران بیاموزند
۸۰	خداوند از حلال به او رسانید
۸۱	غفلت از خدا بد بختی می‌آورد
۸۳	علت نامه ندادن یوسف
۸۳	عرش رحمان

۸۵	غفلت حضرت یعقوب
۸۶	غفلت صیاد
۸۷	اصمعی و تائب بیابان
۸۹	شرم از نظارت
۹۱	با دیدن امر عجیب ترک دنیا کرد
۹۳	پند و تبلیغ، نشان بنده
۹۴	فضیل ابن عیاض
۹۸	جدول آیات قرآن درباره غفلت

فصل دوم | غفلت و فراموشی از یاد مرگ

۱۱۳	داستان حکمت آموز از کتاب مصباح الشریعه و مفتاح الحقیقه
۱۱۹	غفلت از صاحبخانه
۱۲۰	شکرگزاران و غریبشان
۱۲۰	وزیر عاقبت
۱۲۱	غفلت فراگیر
۱۲۲	قدر دان لحظات عمر
۱۲۴	بیدار تر شدن حکیم سبزواری
۱۲۶	آمادگی
۱۲۹	توبه‌ی مالک دینار
۱۲۹	رضای دوست طلب، گر نجات خود خواست
۱۳۶	هنگام مردن بخود پرداخت
۱۳۶	توبه‌ی شعوانه!
۱۳۸	خود را هم باید موعظه کرد
۱۳۸	داستان پهلول نباش
۱۴۳	واقعه‌ی بزرگ در نجف اشرف
۱۴۴	میرداماد چگونه نفس را نگهداشت؟
۱۴۷	(غفلت تا کی؟)

فصل سوم | غفلت و فراموشی از دشمنان

۱۶۲	دو آیه‌ی سخت و خیر
۱۶۳	اثر توبه
۱۶۶	غفلت پادشاه
۱۷۰	جوان پرهیزگار و بیدار
۱۷۱	شهامت ابن بانوی نمونه‌ی عفت و بیداری مرد چشم چران
۱۷۷	داستانی جالب و عبرت انگیز
۱۷۸	پند پدران

فصل چهارم | غفلت از کسب علوم مختلف دینی و دنیایی

۱۹۷	درخت عجیب
-----	-----------

فصل پنجم | غفلت از ولایت اولیاء الله - علیم السلام

۲۱۲	اصل چهارم دین (امامت)
۲۱۳	دلایل عقلی بر اثبات امامت
۲۱۴	داستان هشام یا عمرو بن عبید بصری شاهد است
۲۱۵	هشام نیکو استدلال می‌کند
۲۱۵	اهمیت ولایت
۲۱۷	توبه‌ی دو برادر در آخرین ساعات عاشورا
۲۱۹	بیداری عمرو بن عبد العزیز
۲۲۰	نام نیکی باقی‌گذار دارد
۲۲۱	احتجاج مرد عقیلی با بنی امیه درباره‌ی سب علی
۲۲۲	استدلال مرد عقیلی در شب علی
۲۲۴	بیداری پدشاه جوانمرد حبشه
۲۲۹	از طرقات استاد انصاریان
۲۲۹	بیداری حبیب بر ماهر از برکت حضرت رضا
۲۳۱	بیداری عزیزانه یزدان و نجات زهری
۲۳۲	آسیه‌ی قهرمان و الگو، برای همه ملکه‌های تاریخ
۲۳۴	خاک پا
۲۳۵	مردم‌آزاری
۲۳۶	لحظه‌ی آخر
۲۳۶	بیداری دختر نمرود
۲۳۸	لطف امام رؤف نسبت به همه انگاس
۲۳۹	آتش شهوت
۲۴۰	بردباری و تحمل
۲۴۲	احساس خطر
۲۴۲	توبه‌ی مردی از کارگزاران ستمکاران
۲۴۳	داستان خلیعی که شیعه شد
۲۴۴	عنایت امیرالمومنین به خلیعی
۲۴۵	مکاشفه‌ی عجیب
۲۴۶	بنده‌ی حق
۲۴۷	السلام علی المعبود فی قعر السجون
۲۴۷	اثر مجالست موسی بن جعفر در کنیز
۲۴۸	بیداری در آخرین لحظه‌ی عمر
۲۴۹	راهب با توفیق مسلمان شد
۲۵۰	مرحوم دکترا مینی می‌نویسد
۲۵۲	پس از واقعه کربلا

فصل ششم | غفلت از حوادث

۲۵۷	وسایل کار ساز نیست، خدا کار ساز است
۲۵۸	بیش از ۶۰۰ مرتبه نجات از مرگ !
۲۶۰	قاعتیرو یا اولی الابصار

۲۶۴	یکدم غفلت یک عمرندامت
-----	-----------------------

فصل هفتم | غفلت از ادای حقوق دیگران (حق الله و حق الناس)

۲۶۸	حق الله
۲۷۲	حق الناس ... حق الناس ... حق الناس
۲۷۵	غفلت حضرت یوسف و محرومیت بزرگ

فصل هشتم | غفلت از لقمه‌ی حلال خود، خانواده و دیگران

۲۹۳	وصار بار
۲۹۴	چین غذایت
۲۹۵	تجربۀ رده‌ای که بعد از بیداری از خواب غفلت به مقام والایی رسید
۲۹۷	قیام به حق شما لازم دارد
۲۹۹	یک لحظه غفلت و فواید بیدار شدن
۳۰۱	ندای الرحیل

فصل نهم | غفلت از خیرخواهی و احساس مسئولیت در برابر انحرافات جامعه

۳۱۱	احسان شیخ و بیداری دزد
۳۱۲	توبه‌ی قوم یونس
۳۱۴	مشو غافل
۳۱۵	توفیق توبه
۳۱۷	به واسطه‌ی رحم به سلطنت رسید
۳۱۸	صدق و راستی موجب توبه می‌شود
۳۱۸	خواب غفلت
۳۱۹	پوریای ولی و مبارزه با نفس
۳۲۰	ثروت خدادادی و دانش فراوان
۳۲۱	توبه‌ی برادران یوسف
۳۲۳	توبه در میدان جنگ
۳۲۵	راستگو و تائب
۳۲۶	کوشش کنید از این پس اشتباه نکنید
۳۲۶	معمار زندگی
۳۲۷	مشروب خوار و توبه
۳۲۸	توبه‌ی شقیق بلخی
۳۲۹	خواب الهام بخش
۳۳۱	استخدام
۳۳۱	پاداش عمل

فصل دهم | غفلت از درک ماهیت دنیا و پرهیز از اسارت آن

۳۴۶	غفلت زده‌ای که دیربیدار شد
-----	----------------------------

۳۴۴	آزاد مرد بیداردلی در بین طاغوت‌ها
۳۴۵	سپهر عالم جانم، طراز نقش امکانم
۳۴۶	بیداری سلطان
۳۴۷	ترک فانی عطار را ترقی داد
۳۴۸	خلیفه‌ی جوانی که از شنیدن گفتار حق از خواب غفلت بیدار شد
۳۴۹	این چنین گفتار حق اثر دارد
۳۵۱	کیفر خیانت
۳۵۱	حساب سخت یک روز
۳۵۳	ضمانت بهشت

فصل یازدهم | زهد و قناعت و عدم غفلت از این‌ها

۳۵۹	بیلست زهد
۳۵۹	راه شب
۳۶۱	سسام زهد
۳۶۴	دزای نادان
۳۶۶	عیسی اهل قرب
۳۶۶	سبب هلاک دینان
۳۶۷	جای دنیا پرست اینجاست
۳۶۷	دل بسته‌ی دنیا
۳۶۸	بهار زندگانی
۳۷۰	غفلت عابد
۳۷۰	حکایت العابد الذی قل الصبر لندیه فتفوق الکاتب
۳۷۴	حضرت سلیمان و پیربرزگر

فصل دوازدهم | غفلت از عواقب

۳۸۱	داستان صالح و طالح
۳۸۲	دل‌وریت شکنی که اسیر دنیا شد
۳۸۶	چراغ راه
۳۸۸	مزار خویش
۳۸۸	سرانجام غفلت او به سبب عجبی که از خود داشت جان‌ش را گرفت
۳۸۹	بد عاقبت
۳۸۹	خوف خدا و باز بودن راه توبه
۳۹۱	سرگذشت حیرت‌انگیز بر صیصای عابد
۳۹۳	عقابی که غفلتش باعث سقوط و نابودی او شد
۳۹۳	عاقبت بخل و دنیا پرستی باغبان
۳۹۵	یاد خدا
۳۹۷	دستور به چاره‌اندیشی برای حفظ جان
۳۹۷	کاخ محبت
۳۹۸	توبه‌ی مردی بادیه نشین از کفر و بت پرستی
۴۰۰	اخلاقی شگفت‌انگیز و عاقبت عجیب

۴۰۱	کشتن نفس زیگانه
۴۰۲	حکایت بسیار آموزنده ای از کتاب جوامع الحکایات
۴۰۳	فقیر و غنی
۴۰۳	شجاع ترین فرمانده
۴۰۴	طاعت حق
۴۰۴	گنهکار توبه کننده
۴۰۵	غفلت حضرت داوود پیامبر
۴۰۵	هفتاد سال عبادت بی مغز
۴۰۷	توبه اولیایه
۴۰۸	خبر اس
۴۰۹	بلغم عورت و سقوط و حشمتناک از درجه اعلای تقرب معنوی
۴۱۱	ستاره ای، بدر خورشید، ماه مجلس شد
۴۱۲	توبه ی نصو
۴۱۳	غافل باشی
۴۱۴	چاره چیست؟
۴۱۴	اینک در پایان بعضی از راه های غفلت
۵۱۴	غفلت از نماز

پیش‌گفتار

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
یا حافظاً لا یغفل^۱
اِقْتَرَبَ لَنَا سِرٌّ حَسْبُهُمْ وَهُمْ فِي غَفْلَةٍ مُعْرِضُونَ^۲

مگر ز مهلت عمر آنچه مانده دریایی که آنچه رفت به غفلت دگر نیاید باز
چنان مکن که به بیچارگی فرومانی که نه چاره به دست اندر است چاره بساز

حمد و سپاس بی‌پایان رب الارباب را سزد که به قدرت کاه ای خداوندیش مخلوقات
گوناگون و حیرت‌انگیز ایجاد و جهت‌افاضه‌ی الطاف بی‌کرانش همایونی موعودات را کنار خوان
انعامش متنعم فرموده و بشر را به عنوان عالی‌ترین و شریف‌ترین آفریدگان برای تقرب به خود
انتخاب و تاج درخشان^۳ را به انسان مرحمت و از روح مقدس خود به این کالبد خدیده
و تنها به سبب خلقت چنین گوهر با عظمت و بی‌مانندی خود را ستایش کرده و او را شرف
مخلوقات قرار داده است. پس بزرگ و بابرکت است، خدایی که بهترین آفریننده است.^۴

۱. هزارمین نام خداوند یا آخرین فراز دعاء جوشن کبیر

۲. مردم را رسیدگی به حسابشان نزدیک شد در حالیکه آنها در غفلت بسر می‌بردند و روی گردانند. (سوره مبارکه انبیاء، آیه اول)

۳. وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْوُجُوهِ وَالْأَنْفَرِ وَزَكَّاهُمْ تِبْنَ الظَّالِمَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلاً (سوره اسراء آیه ۷۰)

۴. ثُمَّ خَلَقْنَا النَّفْثَةَ عَالِقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظَاماً فَكَسَّوْنَا الْعِظَامَ لَحْماً ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقاً آخَرَ فَبَارَكُ اللَّهُ أَحْسَنُ

الْخَالِقِينَ (سوره مومنون آیه ۱۴)

دلا غافل ز سبحانی چه حاصل اسیر نفس و شیطانی چه حاصل
 بود قدر تو افزون از ملائک تو قدر خود نمی دانی چه حاصل

(بابا طاهر)

مرحوم آیت الله بهجت می فرماید: «اگر نصف عمر هر شخص، در یاد منعم حقیقی و نصف دیگرش در غفلت باشد، همان مقدار که به یاد خداوند بوده، عمر او و بقیه ممات او محسوب می شود.»^۱

صلوات و سلام بر منبع کمالات ازلی و منشأ پیدایش و ظهور نور وجود احدی و واسطه ی فیوضات غیر منتهی، حضرت محمد مصطفی - که به نفوذ کمالات خداوندیش نفوس پژمرده ی سر را حیات همیشگی بخشیده و با فروغ جاودانه اش انسانیت را از ضلالت جهل به شاهراه سعادت همنم فرمود و درود بر آل و اولاد طاهرین آن سرور، خصوصاً ابن عم و داماد و وصی برحق او، حضرت علی ابن ابوطالب و کلیه ی الهیه از ذریه ی مطهر آن بزرگوار (صلوات الله علیه) احسن که به نور ولایت و امامت، خلق را از خاک به افلاک هدایت فرمودند.

آدمی آمد تا پای بر زمین و دست بر آسمان به وسیله ی استعداد های فوق تصور در اعماق وجودش از موانع مختلف پیروزمندانه عبور کرد و از اوج هولناک حوادث، به جای سکوی پرش بهره برده تا به بلندی جایگاه حقیقی خود برسد. آدم تا در کشاکش جذبه های درونی حیوانیت و بیرونی مادیت، بندهای اسارت را گشوده و در آیدای ماده به افق لاهوتی بال گشاید. آمد تا بی انتها شود. آمد تا در کمند جهاد اکبری تمام استعارات را در آینه ی روشن وجود خویش به تماشا نشیند. آمد تا شجاعت و شهامت را معاً بخشد؛ زیرا شجاع کسی است که از گرداب های زندگی فائق و سربلند به ساحل وارستگی، بار قرار افکند. دنیا شاهراه کمال آدمی و صحنه ی مبارزه ی مقدس است با هر چه غیر خدای باشد و زندگی محرابست و عرصه ی جهاد و مطابق سرشت آدمی، ناگزیر از چنین جدال دائمی در درون خویش هستیم. هدف اصلی ادیان آسمانی تعلیم انسان و تجهیز او به همه ی وسایل لازم جهت پیروزی در این نبرد بی امان است، هم چنانکه در طول تاریخ شاهد شکست پهلوانان نام آور بر اثر یک

غفلت آنی بوده ایم، در این پیکار همیشگی نیز غفلت موجب غلبه‌ی دشمن بر انسان است.
 آبرو باد و مه و خورشید و فلک در کارند تا توانایی به کف آری و به غفلت غمخوری
 همگی بهر تواند چاکرو فرمان بردار شرط انصاف نباشد که تو فرمان نبری

اصل غفلت زمانی است که انسان موانع خطر را شناخته ولی در حین حرکت به دلیل نبود راهنمایی کافی دچار لغزش می‌گردد، هم چنانکه نخستین لغزش نسل انسان به وسیله‌ی جد بزرگوار ما، حضرت آدم، به وقوع پیوست و این بلای خانمان سوز، چون میراثی نامبارک کم و بیش گریبان گیر تمام اولاد حضرت آدم شده و جمع کثیری را به خسران مبین مبتلا نموده است. متأسفانه تداوم غفلت و تکرار آن، گاهی به چند مرتبه در هر روز می‌رسد و آثار زیان بارش نیز قابل‌توجه بیداری غافل نمی‌شود.

هفته‌ها کردیم ماه و سال‌ها کردیم پار نور بودیم و شدیم از کار تا هنجار نار
 یافتیم اریک گهر هم سنگ شد تا بد خُرف داشتیم اریک هنر بودش قرین هفتاد عار
 شمع جان پاک را اندر مغاک افروختیم خانه روشن گشت اما خانه‌ی دل ماند تار
 صد حقیقت را بکشتیم از برای یک هوس از دیک سیب بشکستیم صدها شاخسار
 ره نمودند و نرفت هیچ گه جز راه کج بهر گشتند و نپذیرفتی یکی را از هزار

(پروین اعتصامی)

شاید از خطرناک‌ترین عارضه‌هایی که بر سر راه بشر وارد می‌شود و خیلی سریع می‌تواند تمام سرمایه‌های مادی و معنوی انسان را به آنی از او بگیرد و سحر را دچار خسارت‌های وحشتناک و جبران ناپذیری کند، غفلت است. هر چند بیشتر ما انسان‌ها، در غفلت به سر می‌بریم که از آثار بسیار زیان بار آن نیز بی‌خبر هستیم.

به غفلت عمر را طی می‌کنم من بهار عمر را دی می‌کنم من
 اگر یک جلوه بر قلبم غایی خیال معصیت کی می‌کنم من

به فرمایش مولای متقیان حضرت علی: «زمانی بیدار می‌شویم که کار از کار گذشته

است.»^۱